

آینه پژوهش

سال سی و هفتم، شماره سوم
مرداد و شهریور ۱۴۰۵
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب شناسی و
اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۹

۲۱۹

دوماهنامه
آینه پژوهش

سال سی و هفتم، شماره سوم
مرداد و شهریور ۱۴۰۵

سیدعلی میرافضلی | والتر برونو هنینگ / سید احمد رضا قائم مقامی | امید حسینی نژاد | مجید جلیسه
حبیب الرحمن شروانی / شیوا امیرهدایی | آریا طبیب زاده | رقیه فراهانی | کمال الدین دعایی | میلاد بیگدلو
حیدر عیوضی | علی راد | اصغر ارشاد سربابی | منوچهر فروزنده فرد | محمّد جوکار باصری | مهدی مهریزی
محمد هادی توکلی | رضا استادی | سیدعلی کاشفی خوانساری | سعید مهدوی فر | جویا جهاًنبخش
فرهاد طاهری | رسول جعفریان

فهرست شاعران سفینه رباعیات استانبول: دستنویس شماره ۱۲۰۳ کتابخانه دانشگاه استانبول
| دو خطا در روایات عربی در باب مانویّت | خراسانیات (۹): تحفه ای گرانقدر از میراث گمشده صاحب بن
عباد در نیشابور قرن چهارم قمری | چاپ نوشت (۲۴): رسانه چاپ و بازآرایی منازعات فرقه ای در شبه قاره
هند؛ مطالعه موردی تحفه اثناعشریه، صوارم الالهیات و حسام الإسلام | مطالعات زبان و ادب فارسی در
شبه قاره (۳): قصاید مطهر | یادداشت های لغوی و ادبی (۸): درباره «ایش» و «ایش شاء الله» و «ایشالا»
| اشعار تازه یاب از شاعران دوره قاجار با استناد به نشریات آن عصر: مقاله نهم، اشعار نویافته از ابراهیم
پورداوود | مجموعه های ویراسته در نشر دانشگاهی: راهنمای جامع گونه ها | قطعه ای از تاریخ ترجمه
عربی به فارسی | آینه های شکسته (۱۴): «مُسَوِّمین» (آل عمران: ۱۲۵) در ترجمه های قرآن؛ رویکرد ریشه
شناختی در برابر داستان سرایی | طومار (۱۶): نردبان شکسته (۹): تحلیل انتقادی مصادر اسطوره حفظ
نقد و بررسی کتاب مجمع النوادر (کتابی از میراث داستانی شبه قاره) | درباره «نگاهی به واژگان لغت
فرس» | نقدی بر مقاله «امامت و ولایت در محقق ترجمه ای جدید از قرآن کریم» | نگاهی تحلیلی به
کتاب موسوعة المباحث الاصولية و ادلتها | بررسی انتقادی «سیدرضی لاریجانی و مکتب عرفانی تهران»
| کتابشناسی جامع آیت الله رضا استادی

نکته، حاشیه، یادداشت

پیوست آینه پژوهش: ♦ حسرت تمدنی و ایدئولوژی احیا در یک منظومه فارسی شبه قاره

Ayeneh-ye-

Pazhoohesh

Vol.37, No.3

Aug - Sep 2025

A bi-monthly journal exclusively
review & information dissemination

219

dedicated to book critique, book
in the field of Islamic culture



پرتال
دوماهنامه
آینه پژوهش
Jap.isca.ac.ir

آینه‌های شکسته (۱۴)

«مُسَوِّمِین» (آل عمران: ۱۲۵) در ترجمه‌های قرآن؛ رویکرد ریشه‌شناختی در برابر داستان‌سرایی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه قرآن و حدیث قم | حیدر عیوضی

| ۲۲۱ - ۲۱۱ |

۲۱۱

آینه پژوهش | ۲۱۹

سال ۳۷ | شماره ۳

مرداد و شهریور ۱۴۰۵

چکیده: در قرآن فرشته‌هایی که به یاری مؤمنان می‌شتابند، با اوصافی چون مُردِفِین «پی‌درپی [فرود] آمده» (انفال: ۹) و مُنْزَلِین «فرودآمده» (آل عمران: ۱۲۴) یاد شده‌اند. در این میان، توصیف به مُسَوِّمِین (آل عمران: ۱۲۵) به جهات مختلف، از جمله وجود ریشه‌های هم‌آوا از «سوم» در عربی از دیرباز محل نقد و نظر بوده است. از آنجاکه یکی از این ریشه‌ها به «خط و خال» اشاره دارد، و از قضا برخی مشتقات آن در قرآن نیز به کار رفته است؛ «الخیل المسمومة/اسبان نشان‌دار» (آل عمران: ۱۴)، بسیاری به این معنا متمایل شده و مطابق قرائت مشهور مُسَوِّمِین (به صورت اسم فاعل) آن را «نشان‌گذار» معنی کرده‌اند. اما این معنا بن‌مایه افسانه‌پردازی دارد؛ از سوی دیگر، آیه مورد بحث به حوادث جنگ بدر بازمی‌گردد، بعدها داستان یاری فرشتگان در تفاسیر با شاخ و برگ‌هایی همراه شد؛ افزوده‌هایی همچون رنگ عمامه آنها (سفید یا زرد)، خال و خط مرکب ایشان یا حتی اینکه فرشتگان محورهای عملیاتی جنگ را نشانه‌گذاری می‌کردند.

در مقابل، مرحوم شهرام هدایت در پرتو زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی از یک سو و نظر به بافت و سیاق آیات از سوی دیگر، واژه مذکور را «فرستاده‌شده» ترجمه می‌کند. در این مقاله، ترجمه جناب کوشا به عنوان نماینده برداشت سنتی و ترجمه هدایت نماینده رویکرد زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی انتخاب شده‌اند. انتخاب این دو اثر به دلیل توضیحات ایشان در پاورقی یا پی‌نوشت بوده که دست‌مایه این پژوهش قرار گرفته است. این مقاله، ضمن بررسی بیشتر ریشه متناظر عبری *sim/sum* و کاربردهای آن در تورات، به دفاع از تحلیل هدایت می‌پردازد. بخش پایانی به معادل‌گذاری برخی دیگر از مترجمان اختصاص دارد که تا حدودی به ترجمه منتخب متمایل اند. در جمع‌بندی نیز پیشنهادهایی برای آینده ترجمه‌پژوهی در متون مقدس ادیان ابراهیمی ارائه می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: ترجمه قرآن، ترجمه شهرام هدایت، ترجمه محمدعلی کوشا، ریشه‌شناسی تاریخی، مُسَوِّمِین (آل عمران: ۱۲۵)، فرشته‌شناسی.

Broken Mirrors (14): *Musawwimīn* (Q. 3:125) in Qurʾān Translations: An Etymological Approach versus Storytelling
Heidar Eyvazi

Abstract: In the Qurʾān, the angels who come to the aid of the believers are described by such terms as *murdifīn*, “arriving one after another” (al-Anfāl 8:9), and *munzalīm*, “sent down” (Āl ʿImrān 3:124). The description *musawwimīn* (Āl ʿImrān 3:125), however, has long been subject to debate and criticism for various reasons, including the existence of homophonous Arabic roots represented by the consonants *s-w-m*. One of these roots denotes marks or distinctive signs, and some of its derivatives also occur in the Qurʾān, as in *al-kbayl al-musawwamah*, “marked horses” (Āl ʿImrān 3:14). Many interpreters have consequently favored this sense and, in accordance with the widely accepted reading *musawwimīn* as an active participle, have rendered it as “those who mark.” This interpretation, however, has provided fertile ground for legendary elaboration. Since the verse in question refers to the events of the Battle of Badr, later exegetical accounts of angelic assistance became embellished with such details as the color of the angels’ turbans—white or yellow—the distinctive markings of their mounts, and even the claim that the angels marked out the battle’s operational zones. By contrast, the late Shahram Hedayat, drawing on historical-comparative linguistics and considering the textual context of the verses, translates the term as “those sent forth.” The present study selects Kousha’s translation as representative of the traditional interpretation and Hedayat’s as representative of the historical-comparative linguistic approach. These two translations were chosen because both translators explain their interpretations in footnotes or endnotes, which constitute the principal basis of the present analysis. Through a further examination of the corresponding Hebrew root *šm/šim* and its uses in the Torah, the article argues in support of Hedayat’s analysis. The final section discusses the renderings adopted by several other translators whose choices approximate the preferred translation. The conclusion offers several proposals for the future of translation studies on the sacred texts of the Abrahamic religions.

Keywords: Qurʾān translation, historical etymology, *musawwimīn* (Āl ʿImrān 3:125), angelology.

درآمد

این شماره از مجموعه آینه‌های شکسته به بازخوانی معناشناسی واژه «مُسَوِّمین» در توصیف فرشتگان (آل عمران: ۱۲۵) اختصاص دارد؛ واژه‌ای که به سبب تلاقی چند ریشه هم‌آوا در زبان عربی و زبان‌های سامی، از دیرباز محل اختلاف نظر مفسران و مترجمان بوده است. برای بررسی این مسئله دو ترجمه قرآن، یکی گمنام، اثر مرحوم آقای دکتر شهرام هدایت و دیگری معروف به تاج التراجم اثر حجت الاسلام دکتر محمدعلی کوشا انتخاب شدند. پیشتر نیز شماره‌های ۷ و ۱۲ به طور مجزا به ابعادی از دو ترجمه مذکور متمرکز بودند.

توضیحاتی که هر دو مترجم (با حذف عناوین) هدایت و کوشا در تبیین معنای پیشنهادی خود ارائه داده‌اند، بخش اول مقاله حاضر را شکل می‌دهند. همانطور که ملاحظه خواهد شد یادداشت جناب کوشا در پاورقی خیلی کوتاه است (حدود ۳ خط)، در واقع این ترجمه نماینده برداشت رایج از واژه مورد بحث در ترجمه‌ها و تفاسیر قرآن بوده، به این جهت ایشان نیز موضوع را در نهایت اختصار مطرح کرده است؛ شاخ و برگ آن را در متون مفصل‌تر می‌توان ملاحظه کرد. اما مطالب مرحوم هدایت در پی نوشت حدود ۱۰۰۰ کلمه است (معادل سه صفحه)؛ از آنجایی که ایشان به طرح یک مسئله ریشه‌شناختی پرداخته، و اشاره به فروع مختلف از جمله ریشه‌های هم‌آوا ضروری است، طولانی بودن آن طبیعی می‌نماید. به دلیل ارتباط مستقیم اجزای این پی‌نوشت با استدلال مقاله، متن آن تقریباً به صورت کامل نقل شده است.

در بخش دوم ضمن بررسی مفصل‌تر از ریشه متناظر عبری *sim/sum*، و کاربردهای آن در تورات به دفاع از تحلیل هدایت می‌پردازم. و در ادامه به معادل‌گذاری برخی دیگر از مترجمان که تا حدودی به ترجمه منتخب متمایل‌اند، اشاره می‌شود. در نهایت، جمع‌بندی مقاله با طرح برخی بایسته‌های پژوهشی پایان می‌یابد.

روش‌شناسی

این پژوهش با رویکرد زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی انجام شده و روش تحلیل بر سه پایه اصلی استوار است:

۱. تحلیل قرینه‌ای و سیاقی^۱: بررسی هماهنگی معنایی سه وصف مشابه فرشتگان (مُنَزِّلین، مُسَوِّمین، مُرْدَفِین) در آیات مرتبط با جنگ بدر.

1. intra-textual.

۲. ریشه‌شناسی تاریخی - تطبیقی: پی‌جویی ریشه *sum/sim* در شاخه‌های مختلف زبان‌های سامی (عربی، عبری، سریانی، آرامی و مندایی) با توجه به چندمعنایی^۱ این ریشه و انتخاب معنای منطبق با بافت نظامی آیه.

۳. رویکرد انتقادی: مقایسه برداشت‌های روایی - داستان‌سرایانه با معنای لغوی - تاریخی.

رویکرد ریشه‌شناختی در برابر داستان‌سرایی

آیه مورد بحث در سوره آل عمران (۱۲۵)، از سوه‌های مدنی قرار دارد. در سالهایی که مسلمانان از سویی در داخل با کارشکنی منافقان و از بیرون با دشمنان خارجی درگیر بودند، در آیاتی در تقویت روحیه مجاهدان از نزول فرشتگان برای یاری ایشان سخن به میان آمده است. این فرشتگان با توصیف‌هایی معرفی شدند؛ در یک سوره مدنی دیگر به مُردِ فین «پی در پی [فرودآمده]» (انفال: ۹)، در همین سوره دقیقاً در آیه قبل به صورت مُنزلین «فرودآمده» (آل عمران: ۱۲۴)، و آنگاه در این آیه سخن از ملائکه مُسَوِّمین است:

«بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فُورِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ» (آل عمران: ۱۲۵).

ترجمه کوشا آری، اگر شکبیا باشید و پروا پیشه کنید و آنها با همین شتاب به سراغتان بیایند [و بر شما بتازند] پروردگارتان با پنج هزار فرشته نشانگذار* یاری‌تان خواهد کرد.

ترجمه هدایت آری [کنون نیز] اگر پایمردی کنید و پرهیزکار باشید و [دشمنان] شما را این کین خویش آرند، پروردگارتان به پنج هزار از فرشتگان فرستاده شده* یاری کند.

*پاورقی جناب کوشا برای واژه مُسَوِّمین: «وجه تسمیه فرشتگان به «نشانگذار» این بوده که آنان محورهای عملیاتی جنگ را برای مجاهدان بدر تعیین علامت و نشانه‌گذاری می‌کرده‌اند (جوامع الجامع، ج ۱، ص ۲۰۲؛ اعراب القرآن محی الدین درویش، ج ۲، ص ۴۶).

در رابطه با این سخن جناب کوشا ذکر چند نکته ضروری است:

۱. منابعی که کوشا بدانها ارجاع داده صرفاً به جهت اعراب مُسَوِّمین به کسر واو (اسم فاعل) است.
۲. اما مطالب ایشان، اینکه وجه تسمیه فرشتگان به «نشانگذار» این بوده که محورهای عملیاتی جنگ را برای مجاهدان بدر نشانه‌گذاری می‌کردند، انعکاس بخشی از شاخ و برگ داستان‌سرایی‌های مطرح در تفاسیر است.

1. polysemy.

۳. از آنجایی که هدایت نیز در تحلیل خود به برخی از این شاخ و برگ‌ها اشاره کرده، در اینجا از بسط آن صرف نظر می‌کنیم.

* پی‌نوشت شهرام هدایت راجع به واژه مُسَوِّمِین:^۱

«... پس از «یاتوکم من فورهم هذا» آمده «یمددکم ربکم بخمسة آلاف من الملائكة مسومین» یاری می‌کند شما را خداوندگارتان به پنج‌هزار از فرشتگان مُسَوِّم، ملائکه‌ی مسومین یعنی چه؟ این واژه هم به فتح واو (اسم مفعول و هم به کسر آن (اسم فاعل) خوانده شده و نشاندار علامت‌دار، داغ‌خورده یا نشان‌گذار و علامت‌گذار معنا شده است.

«سوم/sum» یعنی داغ‌گذاری اسب نشان‌زدن و علامت‌گذاشتن، الخیل المسوَّمة یعنی اسبان داغ‌خورده، پس ملائکه‌ی مسومین هم می‌شود: ملائک داغ‌خورده یا نشان‌دار و علامت‌دار و اگر اسم فاعل باشد نشان‌گذار. در توجیه این علامت‌داری و یا نشان‌گذاری سخن بسیار است. حرفهای زیادی گفته یا نوشته شده، حرفهایی که بیشتر افسانه‌آمیز است. مایه‌ی تأسف است که حتی در معتبرترین کتب تفسیری ما در این زمینه از خال و خط اسب و رنگ و لباس و عمامه ملائک به جنگ آینده سخن رفته، حتی از سوی مفسرانی که معمولاً در کارشان به افسانه‌پردازی رغبتی ندارند. مثلاً میبیدی یا نسفی یا شیخ طوسی یا ابوالفتوح و ...^۲.

کم‌اند مفسرانی که مطلب را به همان شکلی که هست، گذاشته‌اند و به آن شاخ و برگ نداده‌اند. حضرت علامه آقای طباطبایی از این دسته‌اند. ایشان در المیزان، تنها نوشته‌اند ملائک

۱. پاورقی شهرام هدایت در ابتدای این پی‌نوشت چنین است: «آنچه از نظراتان خواهد گذشت فشرده سخنی است که مترجم در گفتگوی تفسیر خویش در پیرامون چند آیه مورد نظر داشته است. بخشی از این بحث از نوار و بخشی دیگر از رساله و نکاتی تازه در ترجمه و تفسیر قرآن» (فراهایی از درس تفسیر (مترجم) که به انتخاب و کوشش آقای سیدهادی جعفری در جمادی الاول ۱۳۹۹ در قم منتشر شده، اقتباس گردیده است).

ناگفته نماند که این پی‌نوشت بعدتر با اندک تفصیل بیشتر در کتاب بررسی زبان‌شناختی واژه‌هایی از قرآن کریم (ص ۱۹-۲۲، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی) نیز بازنشر یافته است.

۲. «فرشتگان خویشتن را نشان جنگ برکرده - کشف الأسرار، ج ۲، ص ۲۶۳؛ و در توضیح این نشان می‌گوید «سومه نشان بود یعنی آن فرشتگان خود را و اسبان را به نشان جنگیان نشان کرده بودند... گفته‌اند نشان ایشان آن بود که بر اسبها ابلق بودند با عمامه‌های زرد و گفته‌اند با عمامه‌های سپید سرهای آن میان دو کتف فرو گذاشته و موی در گردنها و دنب‌های اسبان افکنده - کشف الأسرار، ج ۲، ص ۲۶۷.

«پنج هزار فرشته نشان کرده خود را و اسبان خود را به رنگین جامه‌ها و آویختن فش و عمامه‌ها»، نسفی، ج ۱، ص ۹۸. «نزلت الملائكة يوم بدر علی خیل بلق و علیهم عمام صفر» (فرشتگان در روز بدر بر اسبان سپید و سیاه سوار بودند و عمامه‌هایی زرد رنگ بر سر داشتند)، تیبان، ج ۲، ص ۵۸۰.

«مُسَوِّمِینَ أی مُعَلِّمِینَ علامت برکرده... خلاف کردند در علامت ایشان که چه بود. پاره‌یی پشم سفید بر کلاه داشتند. پشم رنگین بر پیشانی و دنبال اسب‌های بسته بودند. دنبال اسب‌ها را بریده بودند. اسبان ابلق بودند. دستارهای سفید داشتند با دنباله دراز که به میان دو کتف فروگذاشته بودند. عمامه زرد داشتند با دنباله دراز و...»، روض الجنان، ج ۵، ص ۸۰۷.

نشان‌گذاری و گذشته‌اند و چه خوب. در همین قرآنی که در دست من است و ترجمه مرحوم آقای الهی قمشه را دارد، آیه اینطور معنا شده: «خداوند پنج هزار فرشته را با پرچمی که نشان مخصوص سپاه اسلام است به مدد شما فرستد، یعنی آن بزرگوار نشان ملائک را «پرچم مخصوص سپاه اسلام» دانسته‌اند. آراء عرضه شده کمابیش در این ردیف‌اند.

پیش از بررسی لغت باید یک نکته را یادآوری کرد و آن اینکه در قرآن سه جا، سه مورد از ملائک مددکننده‌ی مؤمنان در جنگ سخن رفته. در هر سه مورد شیوه‌ی عبارت یکی است. یعنی عباراتی که به کار رفته با هم قرینه‌اند. این سه عبارت یکی در آیه‌ی پیش بود که از آن صحبت شد، آنجا آمده «من الملائکة منزلین»، یکی در همین جاست که آمده «من الملائکة مسؤمین»، و مورد سوم در سوره انفال است (آیه‌ی ۹) که آمده «من الملائکة مردفین»، این هر سه کلمه مُنزِلین، مُسومین و مُردفین هر سه در وصف این ملائک آمده‌اند. معنای مُنزِلین که روشن است: نازل شده، فرستاده شده. معنای مُردفین هم روشن است از پی آمده به همراه آمده. این دو معنا با هم هماهنگی دارند و در ضمن با ملائک مناسبت دارند.

حالا با توجه به قرینه بودن این سه عبارت آیا درست‌تر به نظر نمی‌رسد که مُسومین هم باید مفهومی نزدیک و هم‌آهنگ با این مفاهیم داشته باشد؟

حالا ببینیم ریشه واژه «سوم» *sum* یعنی چه؟

این ریشه واژه در زبانهای سامی به مفهوم «گذاشتن، فرود آوردن، گذاشتن، روانه کردن» است: عربی «سوم و شوم» (*sum/šum*) مندایی «سوم» (*sum*)، سبئی: «سیم» (*sim*)، سریانی: «سوم» (*sum*)، آرامی: «سوم و سیم» (*sum/sim*)، عبری سوم و سیم (*sum/sim*)، آشوری: «شمو» (*šemu*)، فنیقی: «شم» (*šem*)، و...^۱ این ریشه در عربی به دو شکل «سوم» و «شوم» آمده که هر یک مشتقاتی دارد.

یک ریشه واژه‌ی سامی دیگر هم هست به شکل «شام، شوم» (*šām/šum*) به معنای ارزیابی و تقویم.^۲ این ریشه واژه در عربی با «س» آمده [این برابری «س» با «ش» در میان همه زبانهای هم‌ریشه حتی در میان گویش‌هایی از یک زبان دیده می‌شود] این دو ریشه در عربی روی هم افتاده‌اند از ریشه نخست مثلاً آمده:

1. Macuch, p 321; Hoftij, p 297; Gesenius, p 962-964.

2. Sivan & Levenston, p 261.

«سَوْمَةُ الْأَمْرِ تسویم = تکلیف کاری داد کسی را»، «سَوْسَه فِي ما يملكه = حاکم گذاشت او را در مال خود»، «سَوْمُ الْخَيْلِ = اسبان را فرستاد، به چرا رها کرد» و ... و از ریشه دوم آمده: «سوم، سومه = قیمت و بهاء»، «سام السلعه = عرضه کرد متاع را و بها کرد آن را»، «اسمْتُ إِيَّاهَا = سؤال کردم بها را از کسی» و ...^۱

يك ریشه‌ی دیگر هم هست که «خال، لك» معنا می‌دهد. از این ریشه در عبری «شما» (*šmā*) یعنی «خال و لکه‌ی تیره در پوست»، در سریانی و عربی «سیما» یعنی «لکه‌ی رنگ تیره در چهره (که بعد مجازاً به معنای چهره هم می‌آید) و در یونانی به چند شکل گوناگون آمده است.^۲ این ریشه در عربی به شکل «شیم» (*šim*) هم آمده، «شام» (*šām*)، «شامة» (*šāmat*) یعنی «خال، رنگ و نشان تیره در بدن» و «اشیم» (*ašim*)، «مشیم» (*mašim*)، «مشوم» (*mašum*) یعنی «مرد خالدار»، و مشتقات دیگر. یک ریشه دیگر هم هست؛ همین ریشه واژه‌ی «سِم یا شِم» (*sem/šem*) که به مفهوم «نام و نشان» است. این در عربی با همزه‌ی اول آمده و شده است «اسم».^۳

به هر حال، ظاهراً آن مفهوم «نشان و داغ‌گذاری» باید از آن ریشه واژه مایه گرفته باشد که به معنای «علامت، خال و نشان تیره رنگ در بدن» بود، شاید هم از ریشه‌ی دیگری.

اما چنانکه گفته شد یکی از کهن‌ترین و گسترده‌ترین مفاهیم ریشه‌ی واژه «سام، سوم» (*sām/sum*) چه در عربی^۴ و چه در زبانهای سامی دیگر «گماشتن، فرود آوردن، روانه کردن و فرستادن» است. پس «مسوم» یعنی چه؟ یعنی «گماشته شده، روانه شده، فرستاده شده و ...».

حالا معنای «مُنْزَلین» و «مُرْدَفین» آن دو وصفی از ملایک را که با «مسومین» قرینه بودند را به یاد بیاورید «نازل شده، فرستاده شده، و از پی آمده». می‌بینید که هر سه مفهوم با یکدیگر همانند و متشابهند. می‌شود گفت که هر سه تقریباً يك مفهومند با سه تعبیر.

پیدا است که معنای حرف من این نمی‌تواند باشد که هر جا «مسوم» به کار رفت به این معناست، نه، معنای مناسب آیه این است، وگرنه اسم مفعول ثلاثی مزید «سام، سوم» می‌شود «مسوم»، با هر

۱. واژه‌های عربی که به عنوان نمونه آمده‌اند، از صحاح، المجند و فرهنگ جامع برگرفته شده‌اند.

2. Jeffery, p 183.

3. Gelb, p 273; Macuch, p 454; Brun, p 679.

۴. در عربی مثلاً توجه کنید به بیت زیر:

وَرَمَى دَوَابِرَهَا السَّفَا وَ تَهَيَّجَتْ رِيحُ الْمَصَافِفِ سَوْمُهَا وَ سِهَامُهَا

در معلقه‌ی «البید بن ربیعہ عامری» که در آن «سوم» به معنای «مرور و آمدن و گذر کردن» به کار رفته است. ترجانی‌زاده، احمد، شرح معلقات سبع، ص ۱۴۰.

مفهومش که باشد. مطلب اینست که اگر واژه‌ی مثلاً ده معنا دارد، باید گشت و مفهوم مناسبِ مورد را یافت و گذاشت. نه مثلاً اولین معنای به چشم خورده یا به ذهن رسیده را.

به هر حال، از این ریشه مشتقات دیگری هم در قرآن آمده: در سوره بقره آیه ۴۹؛ سوره اعراف، آیات ۱۴۱ و ۱۶۷ و سوره ابراهیم آیه ۶ آمده «من یسومهم سوء العذاب»، یا «یسومونکم سوء العذاب» که «سوم» را در اینجا «عذاب کردن و شکنجه دادن و ...» معنا کرده‌اند، با توجه به مفهومی که از آن سخن رفت (فرود آوردن، وارد ساختن و ...) معنای عبارت نخست می‌شود «کسی که به ایشان عذابی سخت وارد می‌آورد یا روا می‌دارد، و عبارت دوم می‌شود «بر شما عذابی سخت وارد می‌آوردند، یا روا می‌داشتند».

این متن کامل پی‌نوشت شهرام هدایت بود.

تحلیل معانی

مرحوم هدایت به جهت تسلط به مباحث زبان‌شناختی از یک سو و مباحث تفسیری از سوی دیگر، خود به خوبی از عهده تبیین بحث برآمده است. به این ترتیب، آنچه در تحلیل معانی می‌آید بیشتر مرور کلی بر مباحث مطرح است. و در انتها به شواهد زبان‌شناختی در عربی و عبری که ترجمه پیشنهادی هدایت را تقویت می‌کند، می‌پردازیم:

۱. باید توجه داشت که هدایت بر قرائت واژه به صورت مَسْؤْمِین «فرستاده شده» (اسم مفعول) تکیه می‌کند، هرچند قرائت مشهور مَسْؤْمِین (به کسر، اسم فاعل) است.
۲. اساساً معنای «نشان‌گذار» متضمن بن‌مایه افسانه‌پردازی و طرح شاخ و برگ (سفید - زرد بودن رنگ عمامه، خال و خط اسب، نشانه‌گذاری محورهای جنگ) بوده است.
۳. در مورد واژه‌هایی که با چند ریشه هم‌آوا مواجهیم، صرف‌نظر از چند لایه بودن زبان عربی قرآن، دریافت معنای دقیق منوط به شناخت بافت و ملاحظه آیات مشابه است. به این ترتیب، توصیف فرشتگان در آیات دیگر، به طور برجسته در آیه قبل به صورت مُنْزِلِین «فرو فرستاده»، و مُرْدِفِین «پی در پی [فرودآمده]» (انفال: ۹) مؤید دیدگاه هدایت است.
۴. نتیجه‌گیری هدایت از این جهت علمی و استوار است که بر پایه روش ریشه‌شناسی تاریخی - تطبیقی (قرینه، سیاق، ملاحظه ریشه‌های هم‌آوا در شاخه‌های زبانهای سامی) بنا شده، و به یک معنای پرتکرار در یک زبان اکتفا نشده است.
۵. نباید از نظر دور داشت که پیش از هدایت نیز، برخی از مفسران که به طور برجسته به فقه اللغة نیز توجه داشتند معنای مذکور را محتمل دانسته‌اند؛ از جمله در این عبارتی که

طبرسی نقل کرده «قال السدي معنى مسومين بالفتح مرسلين من الناقاة السائمة أي المرسله في المرعى»^۱ و با تصریح بیشتر در سخنی که سمین از أخفش نقل کرده است: «حكى أبو زيد: سُم الرجل خيله: أي أرسلها، و حكى بعضهم: «سُمّت غلامي» أي: أرسلته، و لهذا قال أبو الحسن الأخفش: «معنى مسومين: مرسلين»^۲. باری، در نهایت، مرحوم شهرام هدایت برای نخستین بار به همه ابعاد زبان‌شناختی این واژه پرداخته است.

کاربست‌های ریشه متناظر عبری *sim/sum*

در دفاع از معنای پیشنهادی هدایت به برخی کاربردهای ریشه هم‌خانواده عبری *sum/סִם* - *sim/סִם* در تورات می‌پردازیم؛ مثال‌های ارائه شده احتمالاً به تبیین بهتر موضوع کمک خواهند کرد. همانطور که گذشت، ریشه عبری بر معنای اولیه «گذاشتن، قرار دادن؛ ایجاد کردن» دلالت دارد. مشتقات این ریشه در تورات نیز پرکاربرد است؛ اما با توسعه معنایی از جمله در بافت نظامی بر «کمین کردن»، «مستقر کردن نیرو، لشکر؛ صف‌آرایی سپاه»، «مقاومت کردن؛ به ضدیت برخاستن» نیز دلالت دارد^۳ که به لحاظ بافت در تناظر با واژه مورد بحث ما است؛ از جمله در:

کمین کردن: «با... به طوری که به اریحا و ملکش عمل نمودی بکن، لیکن غنیمتش را با بهایمیش برای خود به تاراج گیرید و در پشت شهر کمین ساز، *שִׁם-לְךָ-עָרֵב/סִם lekā 'ōrēb*» (یوشع: ۸: ۲، ۱۳)؛

صف‌آرایی لشکر: «[بِن هَدَد] و چون این جواب را شنید در حالی که او و پادشاهان در خیمه‌ها می‌گساری می‌نمودند، به بندگان خود گفت: «صف‌آرایی بنمایید.» پس در برابر شهر صف‌آرایی نمودند، *שִׁם-וַיִּמְחֶזְקוּ/סִם wayāsimū*» (اول پادشاهان ۲۰: ۱۲)؛

مقاوت کردن، به ضدیت برخاستن: «يَهُوه صبايوت چنین می‌گوید: آنچه عمالیتی به اسرائیل کرد، بخاطر داشته‌ام که چگونه هنگامی که از مصر برمی‌آمد، با او در راه مقاومت کرد، *سَام/סָם*» (اول سموئیل ۱۵: ۲).

بدین سان، این شواهد نه تنها مؤید معنای پیشنهادی هدایت است، بلکه زمینه را برای فهمی ژرف‌تر از پیوندهای تاریخی - مفهومی، دست کم در محدوده ریشه‌های فعلی هم‌خانواده در زبانهای سامی را فراهم می‌آورد.

۱. طبرسی، مجمع البیان، ۸۲۹/۲.

۲. سمین، الدر المصون فی علوم الکتاب المکنون، ۲۰۶/۲.

3. Gesenius, DCCLXXXVI.

صداهای پراکنده و همسو با هدایت

معدودی از مترجمان به جای «نشان‌دار» برداشت دیگری داشته‌اند؛ در این میان، در تفسیر خسروی (خسروانی) مُسَوِّمِین «مُرْسَل از آسمان» ترجمه شده است، البته در پُرانتز به ترجمه متداول نیز اشاره شده است: «... و شما را به وسیله پنج هزار ملائکه مُرْسَل از آسمان (یا فرشتگان نشانه‌دار) مدد و کمک خواهد نمود.^۱ متأسفانه ایشان توضیحی نسبت به انتخاب این معنا نداده و تنها به حکمت نزول فرشتگان بسنده کرده است.

در میان ترجمه‌های آلمانی عادل تئودور خوری و صدرالدین احمدیه معادل stürmenden Engeln «فرشتگان مهاجم» استفاده کرده‌اند:

Adel Theodor Khoury (1930-): Ja, wenn ihr standhaft und gottesfürchtig seid und sie sogleich gegen euch vorrücken, steht euch euer Herr bei mit fünftausend stürmenden Engeln.

Sadr ud-Din (1881-1981): Ja, wenn ihr standhaft und redlich seid und sie kommen über euch jählings in wilder Hast, so wird euer Herr euch mit fünftausend stürmenden Engeln zu Hilfe kommen.

و رودی پارت Kampfereitschaft «آماده نبرد» ترجمه کرده است:

Rudi Paret (1901-1983): Ja! Wenn ihr geduldig und gottesfürchtig seid, und (wenn) sie jetzt sofort gegen euch daherkommen, wird euch euer Herr (sogar) mit fünftausend Engeln in Kampfereitschaft unterstützen.

جمع‌بندی

با توجه به قرینه‌های قرآنی (منزلین، مردفین، مسومین) که همگی به مفهوم نزول و اعزام فرشتگان اشاره دارند، و نیز گستره معنایی ریشه «س و م» در زبان‌های سامی (گماشتن، فرودآوردن، روانه کردن)، معنای «فرستاده‌شده» یا «گماشته‌شده» برای «مسومین» منطقی‌تر و وفادارتر به بافت روایی آیه است. ترجمه «نشانگذار» به دلیل عدم انطباق کامل با قرینه‌ها و گرایش به تفسیرهای روایی-افسانه‌ای، از اولویت معنایی دور می‌ماند. دیدگاه شهرام هدایت در این زمینه، نمونه‌ای از رویکرد فیلولوژیک است که ترجیح معنای لغوی بر تفسیری را نشان می‌دهد.

۱. خسروانی، علیرضا، تفسیر خسروی، ج ۲، ص ۶۸.

چند بایسته:

۱. آسیب‌شناسی رویکردهای تفسیری در معنای لغوی واژه‌های قرآن؛
(مورد مشابه در ترجمه ضحکت به «حاضت» ← «آینه‌های شکسته ۱۲»)
۲. راه‌اندازی رشته زبانهای سامی در برخی دانشکده‌های علوم قرآنی؛
۳. توجه به ترجمه‌پژوهی متون مقدس ادیان ابراهیمی به مثابه یک رشته علمی دانشگاهی؛
۴. برگزاری نشست‌های علمی با محوریت تحولات در ترجمه متون مقدس ادیان ابراهیمی؛
۵. معرفی و تحلیل ترجمه‌های کمتر شناخته شده، از جمله اثر ناتمام مرحوم شهرام هدایت.

